

عنوان مقاله:

تاثیر از خودبیگانگی بر رضایت شغلی معلمان

محل انتشار:

پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره 4، شماره 51 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

نقی جلیل طهماسبی - لیسانس آموزش ریاضی. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

داراب بابامیر - لیسانس، راهنمایی و مشاوره

سعید جلیل پیران - لیسانس تربیت بدنی

بهرام بابامیر - کارشناس ارشد تاریخ

سامان موسوی - کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

خلاصه مقاله:

از خودبیگانگی و ابعاد آن مانند ناتوانی، بی معنا بودن، ناهنجاری، انزوا، تنفر فرهنگی و خود بیزاری یکی از پدیده های اجتماعی است که در اکثر فرهنگ ها به عنوان یک معضل اجتماعی شناخته می شود. مفهوم بیگانگی مفهومی است که بیشتر استعاری است. در جامعه شناسی این واژه بیشتر به معنای سقوط اصول و بی توجهی به اصول و موازین است. به طور کلی بیگانگی در جامعه شناسی به حالت قطع ارتباط و جدایی از نظام اجتماعی در ابعاد مختلف اطلاق می شود که این جدایی ممکن است از فرهنگ عامه، ارزش های بنیادی، هنجارهای شغلی، حاکمیت سیاسی یا عموم مردم باشد. از خود بیگانگی ابعاد مختلفی مانند: بیگانگی فرهنگی، بیگانگی از کار، بیگانگی سیاسی و بیگانگی اجتماعی دارد. رضایت شغلی، نوعی احساس رضایت و رضایت خاطر فرد از شغل خود در سازمان است که با کار مناسب با استعدادها، میزان موفقیت در شغل، تأمین نیازهای منطقی، شکوفایی استعدادهای، پیشرفت شغلی، تجربه های موفق و جو سازمانی ارتباط دارد. رضایت شغلی، مجموعه ای از احساس های سازگار و ناسازگار است که کارکنان با آن احساس ها به کار خود می نگرند. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه معلمان (زن و مرد) کلیه مقاطع تحصیلی شهرستان لردگان در سال ۱۴۰۱ است که تعداد آنها ۳۲۴ نفر برآورد می شود برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد. با توجه به جامعه آماری تعداد ۱۷۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب می شوند در نهایت تعداد ۱۷۰ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. مفهوم بیگانگی به اشکال مختلف توسط نظریه پردازان و محققان مختلف و همچنین در رشته های مختلف تفسیر شده است. هگل، یکی از نام های مکتب ایده آلیستی، مفهوم از خود بیگانگی را مثبت و انتزاعی تعریف می کند، در حالی که مارکس در فلسفه ماتریالیستی، احساس فرد نسبت به کار منفی را خشک و بیگانه تعریف می کند. وبر، یکی از چهره های مهم در اقتصاد سیاسی، دیدگاهی مشابه برداشت مارکس از بیگانگی دارد. هر دو استدلال می کنند که فردیت یا ارزش های شخصی کارگران توسط نیروی کار آنها تعیین می شود و این بیگانگی از شرایط کار محدودیت های فردیت را نقض می کند. مفهوم بیگانگی بیشتر به خستگی کارگران پس از صنعتی شدن مربوط می شود. این مفهوم که در حوزه مدیریت بازرگانی، علم مدیریت و مدیریت سازمانی به عنوان «بیگانگی کار» در ادبیات گنجانده شده است.

کلمات کلیدی:

رضایت شغلی، استرس شغلی، اعتقادات معنوی، همدلی و کارکنان آموزش و پرورش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1779532>



